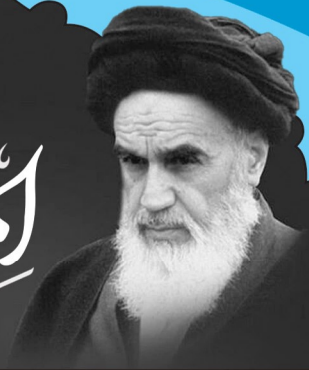


ایم روح الله



در ابتدا باید به این نکته پردازیم که بر کسی پوشیده نیست که امام خمینی (ره) روح خدا بود در کالبد این ملت ستم دیده و رنج کشیده و خسته از استبداد شاهان و خوانین زور و جور و نیز بیگانگان غاصب که جان و مال و هست و نیست مردم را غارت کرده و به یغما می بردند و پادشاهان قاجار و پهلوی فقط و فقط به فکر عیش و نوش خودشان و منافع مالی خود و خاندان فاسد خود بودند و درباریان و خوانین نیز هریک در حد توان به غارت این مردم ستم دیده می پرداختند. و لذا خداوند بزرگ و مهربان یکی از اولیای خود را برگزید تا روح الله به عنوان بنیان گذار و معمار این انقلاب و نظام مقدس، پرچم اجداد معصوم و طاهر خود را برافراشته و دودمان سلسله ۲۵۰۰ ساله ستم شاهی را برچیده و حکومت حقه علوی پس از سالها محقق شود و کام مردم به برکت اسلام ناب محمدی، شیرین شود. این شخصیت بزرگ و فرزانه دارای ابعاد گوناگونی بوده است که به ذکر برخی از آن ابعاد به اجمال می پردازیم.

مشخصات فردی امام رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ

سید روح الله موسوی خمینی فرزند آیت الله سید مصطفی مصطفوی

تاریخ تولد: ۳۰ شهریور ۱۲۸۱ - ۲۰ جمادی الثانی ۱۳۲۰

محل تولد: خمین از توابع استان مرکزی چشم به جهان گشودند

موسس و اولین رهبر انقلاب اسلامی ایران

امام خمینی (ره) در سن ۲۷ سالگی ازدواج کردند.

همسر ایشان، دختر حاج میرزا محمد ثقفی از روحانیون تهران بود. اسامی فرزندان امام

به این صورت است: مصطفی، صدیقه (خانم اشراقی)، فریده (خانم اعرابی)، زهرا

(خانم پروجردی)، احمد

بُعد علی

محمد ضرغام زاد

تحصیل در خمین: امام خمینی (ره) در همان کودکی درس را آغاز کردند و پس از آن به مکتب رفتند. بعد از اتمام مکتب به مدرسه‌های جدید رفتند و با پایان آن، تحصیل علوم اسلامی را در محضر دایی و برادرشان آغاز کردند.

تحصیل در اراک: سال ۱۳۳۹ ه.ق امام خمینی برای تکمیل تحصیلات خود به واسطه حضور آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی به اراک رفتند. در این دوره در محضر اساتیدی چون شیخ محمدعلی بروجردی و... تلمذ کردند.

تحصیل در قم: هم‌زمان با عزیمت آیت‌الله حائری به قم، امام نیز به قم رفتند و در ۲۵ سالگی سطوح عالی‌ه حوزه را به پایان رسانیدند. پس از آن با شرکت در درس آیت‌الله حائری به درجه اجتهاد نائل آمدند. از میان همه اساتید امام آن‌که بیش از همه روح ایشان را اشباع می‌کرد، درس عرفان نظری مرحوم محمدعلی شاه‌آبادی بود. شش سال، گاهی هر روز و گاهی هر چند هفته یکبار، نزد مرحوم محمدعلی شاه‌آبادی می‌رفتند تا کنار فقه و فلسفه، عرفان را نیز بیاموزند.

تدریس: امام تدریس کتب فلسفی را در حالی‌که بیش از ۲۷ سال نداشتند، آغاز کردند و در کنار درس فلسفه به تدریس اخلاق همت گماردند. عمّال رضاشاه برای تعطیلی این درس فشار می‌آوردند که با مقاومت امام به نتیجه نرسیدند اما ناچار شدند برنامه درس اخلاق را از مدرسه فیضیه به مدرسه حاج ملاصادق در منطقه دوردست شهر منتقل کردند. در کنار این‌ها به تدریس دروس فقه و اصول می‌پرداختند. تدریس علوم منقول و خارج فقه و اصول را در سال ۱۳۲۵ ه.ش. هم‌زمان با ورود آیت‌الله بروجردی به قم آغاز کردند. در تبعید در شهر نجف هم با اصرار طلبه‌ها درس را آغاز و بهمن‌ماه ۱۳۴۸ درس ولایت‌فقیه را در ۱۳ جلسه ارائه کردند.

آثار: سیر تألیفی امام از مسائل عقلی آغاز گردیده و در زمینه اخلاقیات، فقه و اصول ادامه یافته است. در حدود ۲۷ سالگی کتاب "مصباح‌الهدایه" را به رشته تحریر درآوردند که بعضی از علمای بزرگ معاصر بر آن حاشیه زده‌اند. در ۲۹ سالگی شرحی بر دعای ماه رمضان و بعد آن کتاب اربعین حدیث را نگاشتند. علاوه بر آن ۲۱ عنوان کتاب دیگر نگارش کرده‌اند که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از: اسرارالصلوه کشف اسرار، شرح حدیث جنود عقل و جهل، آداب‌الصلوه، تحریرالوسیله، توضیح‌المسائل، حکومت اسلامی یا ولایت فقیه، مبارزه با نفس یا جهاد اکبر.

بُعدسیاسی واجتماعی

سید محمد حسینی پور

دوران جوانی: در ۱۵ اردیبهشت ماه ۱۳۲۳ و در اوضاع آشفته و فضای

آزادی نسبی پس از رضا پهلوی، امام در پیامی به ملت، از قیام برای خدا صحبت کرده‌اند و آن را تنها راه اصلاح دوجهان نامیده‌اند. در همین سال در پاسخ به شبهات کتاب اسرار هزارساله، به رضاخان هم تاختند و در آن ایده حکومت اسلامی و ضرورت قیام برای تشکیل آن را مطرح ساختند. در دوران مرجعیت آیت‌الله بروجردی، امام از طرف ایشان عضو هیات مصلحین بودند که مأموریت اصلاح حوزه را داشتند و باعث تحولاتی در حوزه شدند. در مسائل گوناگون مورد مشورت آیت‌الله بودند، مخصوصاً مسائل مربوط به حکومت. یکبار در سال ۱۳۲۹ از طرف آیت‌الله بروجردی برای جلوگیری از اعدام عده‌ای به دیدار شاه رفتند. در مهر ماه سال ۱۳۴۱ لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی مورد تصویب دولت قرار گرفت که طبق آن سه شرط مسلمان بودن، سوگند به کلام‌الله مجید و مرد بودن رأی‌دهندگان و انتخاب شونده‌گان حذف شده بود تا زمینه حضور بهایی‌ها فراهم شود. امام در تلگرافی به علم‌نوشتند: «مجدداً به شما نصیحت می‌کنم که به اطاعت خداوند متعال و قانون اساسی گردن نهید، و از عواقب وخیمه تخلف از قرآن و احکام علمای ملت و زعمای مسلمین و تخلف از قانون بترسید؛ و بدون موجب، مملکت را به خطر نیندازید؛ و الا علمای اسلام درباره شما از اظهار عقیده خودداری نخواهند کرد.» پیام محکم امام در شرایط آن روز بی‌نظیر بود. قیام پانزده خرداد: اندکی پس از غائله انجمن‌های ایالتی و ولایتی، شاه برای طرحی با عنوان «انقلاب سفید» اعلام رفراندوم کرد. امام در بیانیه‌ای صریح چهار روز پیش از رفراندوم، آن را مخالف اسلام و قانون اساسی قلمداد کردند. در فروردین ۱۳۴۲ بعد از حمله مأموران به فیضیه، امام در سخنرانی خود از سکوت بزرگان گلایه می‌کنند: «امروز سکوت، همراهی با دستگاه جبار است». روز بعد بیانیه‌ای را منتشر می‌کنند و به‌صراحت از علما می‌خواهند که تقیّه را رها کنند و می‌افزایند: «من اکنون قلب خود را برای سرنیزه‌های مأمورین شما حاضر کرده‌ام» در شرایطی که ساواک از سخنرانان برای عدم تعرض به شاه و اسرائیل تعهد گرفته بود، امام در عاشورای سال ۱۳۴۲ در سخنرانی خود به شدت به شاه و دخالت‌های اسرائیل انتقاد کردند.

همان شب امام دستگیر شدند و از قم به تهران اعزام شدند. با قیام مردم تهران و ورامین و فشار علما، حکومت مجبور به آزادی ایشان شد.

اعتراض به کاپیتولاسیون و تبعید به ترکیه: مهرماه سال ۱۳۴۳ لایحه کاپیتولاسیون در مجلس تصویب شد. خبر که به امام رسید، پیام‌هشدار آمیز صادر کردند. امام در ۱۳ آبان ماه با چند روز تأخیر به دلیل برگزاری انتخابات ریاست جمهوری آمریکا دستگیر و به ترکیه تبعید شدند. اقامت امام خمینی در ترکیه یازده ماه به درازا کشید.

سال‌های نجف: امام و فرزندشان مهرماه سال ۱۳۴۴ به نجف تبعید شدند. حکومت در نظر داشت امام در حوزه نجف و در فضای دور از سیاست آن منزوی شود. در حالی که امام در طول اقامت در نجف هر روز سه ساعت به زیارت و عبادت در حرم می پرداختند. اما پیگیری فعالیت‌های نهضت هم با وقفه روبرو نشد. امام چهار روز پس از ورود به نجف، در دیدار با آیت‌الله سید محسن حکیم، وی را به قیام فراخواندند. فروردین سال ۱۳۴۶ در اعتراض به لوایحی که قوانین ضداسلامی داشت، به هویدا نامه‌ای بالحن تند نوشتند.

اوج گرفتن نهضت: اول آبان سال ۱۳۵۶ خبر درگذشت سید مصطفی، فرزند امام، بدون سابقه بیماری موجب حیرت شد. دکتر گفته بود که وی را مسموم کرده‌اند، امام اجازه کالبدشکافی ندادند و در پیامی شرایط کشور را مصیبت بارتر دانستند. لحن پیام امام، شاه را به خشم آورد و دستور داد در مقاله روزنامه اطلاعات به امام حمله کنند. مردم در اعتراض به جسارت به امام، در قم قیام کردند که با سرکوب مواجه شد. شهرهای ایران در چهل‌م شهدای شهرهای پیشین ملتهب می‌شد و امام برای هر کدام از این اتفاقات پیام می‌دادند.

انقلاب: با اوج گرفتن فعالیت‌های امام، مأموران حکومت عراق خانه امام را محاصره کردند و رفت و آمد به آن را قطع کردند. با افزوده شدن فشارها، تصمیم گرفتند که به سوریه بروند. امکانش فراهم نشد، به پاریس رفتند و در پاریس به مصاحبه با رسانه‌های گروهی و تبیین دلائل و برنامه‌های انقلاب اسلامی پرداختند. امام پس از سال‌ها دوری از وطن، سرانجام ۱۲ بهمن ماه ۱۳۵۷ وارد ایران شدند و در ۱۵ بهمن ماه بازرگان، رانخت وزیر دولت موقت و مأمور تشکیل کابینه کردند. ایشان با صدور اطلاعیه‌ای در مورد حکومت نظامی ۲۱ بهمن، آن را خدعه خواندند و از مردم خواستند که به آن اعتنا نکنند.

این اقدام، باعث به ثمر نشستن

نهضت و پیروزی انقلاب اسلامی شد. ۱۰ اسفندماه، از

تهران به قم رفتند تا در آنجا مستقر شوند مردم تا کیلومترها به

استقبال آمده بودند. از همان ابتدا بر برگزاری رفراندوم اصرار کردند تا نهایتاً در

۱۰ فرودین سال ۱۳۵۸ مردم در آرای قاطع به جمهوری اسلامی آری گفتند. در ۲۹ دی

ماه، وصیت‌نامه جدیدشان را نوشتند و آقایان منتظری و پسندیده را وصی خودشان

قراردادند. چند روز بعد به دلیل عارضه قلبی به بیمارستانی در تهران منتقل شدند. نظر

پزشکان به جراحی بود، امام مخالفت کردند و قبول کردند که داروها را منظم استفاده

کنند. پس از دو ماه، امام بهبود پیدا کردند و پزشکان صلاح ندیدند که دوباره در قم

اقامت کنند و تأکید نمودند که در اطراف بیمارستان قلب منزلی برای امام گرفته شود و

علاوه بر آن به تشخیص پزشکان الزاماً می‌بایست در شمال تهران که از هوای مناسب

برخوردار است سکونت داشته باشند. در فروردین سال ۱۳۶۵ قلب امام برای لحظاتی

ایستاد، تلاش پزشکان ممکن بود که به نتیجه نرسد اما ناگهان قلب در آخرین شوک

بازگشت، در ۲۸ اردیبهشت سال ۱۳۶۸ پزشکان وجود سرطان معده را تأیید کردند. در

دوم خردادماه امام تحت عمل جراحی قرار گرفتند و نهایتاً پس از حدود ۱۰ سال رهبری

انقلاب اسلامی، شبانگاه سیزدهم خرداد روح امام برای همیشه آرام گرفت.

فراست و هوشیاری در مبارزه با دو لایحه:

هدف شاه از مسأله انجمن‌های ایالتی و ولایتی این بود که با ایجاد تغییر در قانون،

«اسلام» را از «رسمیت» بیندازد و آن را در ردیف دیگر ادیان قرار دهد. علاوه بر آن سوگند

یاد کردن به «قرآن» را با سوگند یاد کردن به هر کتاب آسمانی دیگر مساوی می‌کردند.

اشخاص معمولی و ساده هم متوجه آن نمی‌شدند. اما امام باکیاست، فراست و

هوشمندی خود، این طرح را، نطفه و نقطه آغاز یک توطئه عظیم و خبیث بر ضد اسلام

می‌دانست. امام با تصویب این لایحه ضد اسلامی، خطرهای بزرگ‌تری را برای اسلام و

مسلمین پیش‌بینی می‌کرد؛ به همین دلیل، امام مبارزاتی در جهت عقب‌راندن دولت و

لغو آن «لایحه» به عمل آورد که مدت‌ها طول کشید تا ثمر بخشید.

امام علی علیه السلام: رَبِّ عَزِيزٍ اَذَلَّهُ خُلُقُهُ وَ دَلِيلٍ اَعَزَّهُ خُلُقُهُ؛

چه بسا عزیز کسی که اخلاق بدش او را ذلیل و چه بسا ذلیل کسی که اخلاق خوبش او را عزیز کرد.

دولت در پی این عقب‌نشینی، دو ماه

پس از توطئه مذکور، برای مبارزه با اسلام

و روحانیت، موضوع «لویح شش‌گانه» و به اصطلاح انقلاب سفید را در

دی‌ماه سال ۱۳۴۱ مطرح کرد. و مواد شش‌گانه آن را به فرماندوم گذاشت.

حضرت امام خمینی (قدس سره) با فراست و هوشمندی خود، از ابتداریشه هر

فتنه و فساد را که واقع شده بود، شخص شاه می‌دانستند.

شجاعت و شهامت در مبارزات: وقتی که شاه بر ضد مقدسات به پا خاست و

لشکر هم آراست، حضرت امام با صدور اعلامیه‌ای در سال ۱۳ فروردین‌ماه سال ۱۳۴۲،

به‌طور رسمی در برابر دستگاه استبدادی سلطنت ایستاد و مبارزه‌ای مستقیم بر ضد شاه و

دستگاه سلطنت آغاز کرد. این کار امام در آن زمان، امر بسیار خطرناکی تلقی می‌شد. در

آن زمان کسی جرات نداشت تا اعلامیه‌ای در اعتراض از شاه صادر کند. در آن زمان شاه را

با تشریفات و القاب خاص و ادبیات ویژه و الحان خوش مورد خطاب قرار می‌دادند. در

این حال بود که حضرت امام، شاه را در این اعلامیه امال‌خبائث وصف نموده و به‌طور

رسمی شاه را طرف خطاب، عتاب و تخطئه خود قراردادند.

از این پس دولتی‌ها برای جلوگیری از فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی امام، درس ایشان را

که در مسجد آیت‌الله بروجردی برگزار می‌شد، تعطیل کردند. از این به بعد منزل امام

محلی برای تدریس، نماز جماعت، مرثیه‌عزاداری و مأمونی برای مخالفان دستگاه شاه و

مرکزی برای فعالیت‌ها و مبارزه‌های سیاسی شده بود.

نصیحت و اخطار به شاه

امام بعد از سپری نمودن این مرحله از فعالیت سیاسی خود، در ۱۳ خرداد سال ۱۳۴۲

در فیضیه قم سخنرانی معروفی را در محکومیت دستگاه سلطنت و جنایات وحشیانه در

فیضیه قم، ایراد کردند. حضرت امام با شجاعت تمام، شاه و دستگاه دولتی او را همانند

خلافت سفاک بنی امیه و یزید بن معاویه تشبیه کردند که به صغیر و کبیر این ملت

رحم و مروتی ندارند. ایشان در نصیحتی به شاه، او را اغفال شده به دست دشمنان اجنبی،

فریب‌خورده بهائیت و بازی‌خورده یهود و اسرائیل دانستند و در نصیحتی شاه را

«آقای شاه» و «جناب شاه» و در اخطاری او را «بدبخت» و «بیچاره» خطاب

نمودند.

امام علی علیه السلام: التُّصْحُ بَيْنَ الْمَلَأِ تَقْرِيحٌ؛

نصیحت کردن در حضور دیگران، خُرد کردن شخصیت است.

این در حالی بود که تلگراف‌هایی
راکه به خود شاه مخابره می‌شد، با تشریفات، القاب
خاص، ادبیات ویژه والحن خوش، مانند «ذات همایونی» نام می
بردند. ثمره این سخنرانی، دستگیری شبانه امام به دستور دولتی‌های شاه
اتفاق افتاد و امام را به تهران و نتیجه آن در پی اعتراضات مردمی، قیام خونین ۱۵
خرداد واقع شد. امام بعد از مدتی آزادشده و به قم بازگشتند.

مبارزه با کاپیتولاسیون: امام بعد از بازگشت به قم، به سخنرانی‌های مهم خود
ادامه می‌دادند تا اینکه جریان «کاپیتولاسیون» پیش آمد. این جریان، پیمانی بین دولت
و مردم ایران و مستشاران نظامی آمریکایی بود که «پیمان وین» نام داشت. در این پیمان
الحاق کرده بودند که تمام مستشاران نظامی آمریکا با خانواده‌هایشان، با کارمندان فنی
شان، با کارمندان اداری‌شان، با خدمه‌شان، با هر کس که بستگی به آن‌ها دارد، این‌ها از
هر جنایتی که در ایران بکنند، مصون هستند! حضرت امام در سخنرانی آبان ماه سال
۱۳۴، علیه کاپیتولاسیون سخنرانی کردند. حضرت امام با نگاه هوشیارانه، این قانون
ننگین را این‌گونه تحلیل نمودند: «در این پیمان‌نامه اگر یک خادم آمریکایی، اگر یک
آشپز آمریکایی، مرجع تقلید شمارا در وسط بازار ترور کند، زیر پا منکوب کند، پلیس
ایران حق ندارد جلوی او را بگیرد! دادگاه‌های ایران حق ندارند محاکمه کنند، بازپرسی
کنند، باید برود آمریکا! آنجا در آمریکا ارباب‌ها تکلیف را معین کنند!»

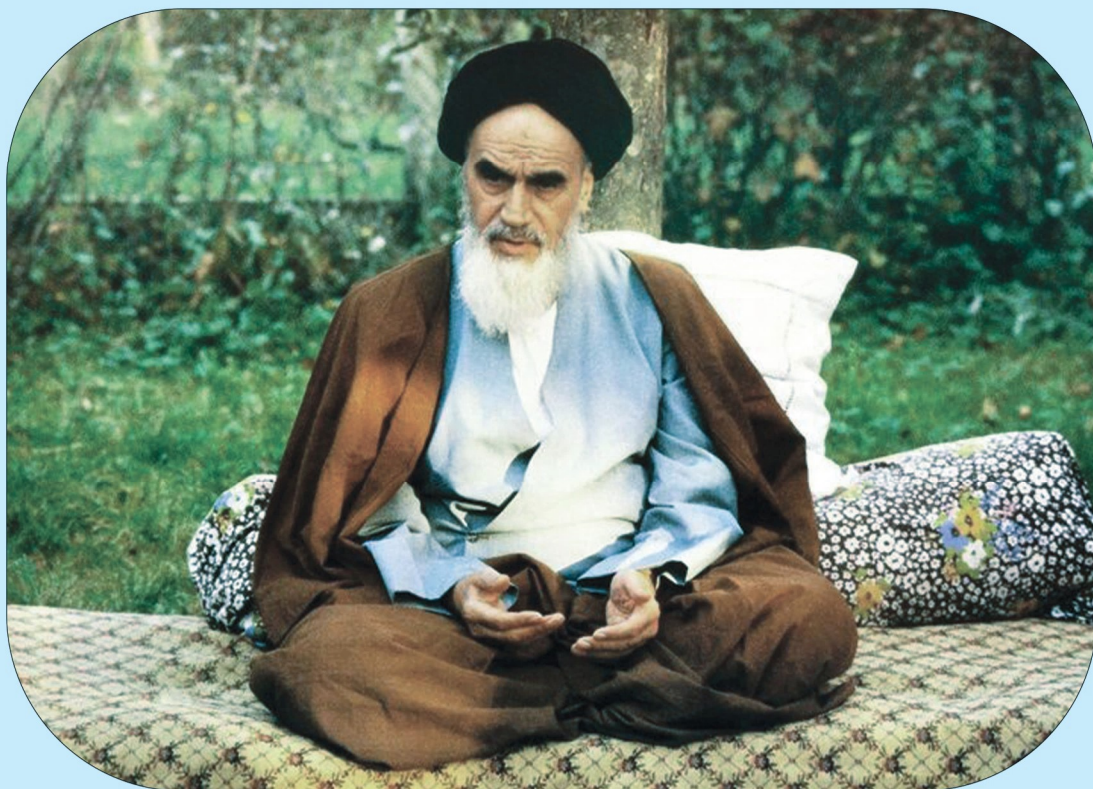
دوران تبعید در ترکیه: براین اساس دولت تصمیم گرفت مجدداً امام را دستگیر و ایشان را
به ترکیه تبعید کند. امام در تبعید با نامه‌نگاری‌های خود، به فعالیت سیاسی و مبارزه با
رژیم ادامه می‌دادند. هدف امام از این نامه‌نگاری‌ها این بود که ارتباط خود را با داخل
کشور حفظ کند و رهبری نهضت را ادامه دهد و اوضاع تبعیدگاه را علیرغم فشار و
محدودیت، خوب توصیف کند تا تزلزلی در روحیه خانواده و مبارزان به وجود نیاید و آن
ها برای آزادی ایشان به رژیم متوسل نشوند. امام دوران حضور در ترکیه، در نامه‌های خود
خواستار کتابهایی چون مکاسب میشد. قصد داشت با نوشتن حواشی بر کتب
فقهی، احکام عبادی اسلام را در کنار مسائل سیاسی بیان کند و به ابعاد سیاسی اسلام
بپردازد.

امام علی علیه السلام: إِذَا كَانَ فِي رَجُلٍ خَلَّةٌ رَابِقَةٌ فَانْتَظِرُوا وَأَخْوَاتِبَا؛

اگر در وجود کسی خصلتی پسندیده باشد، انتظار خصلت‌های پسندیده دیگری را نیز
در او داشته باشید.

دوران تبعید در عراق

پس از مخالفت‌های زیادی که در داخل و خارج کشور و حتی اعتراض‌هایی که در سازمان حقوق بشر و سازمان عفو بین‌الملل با تبعید امام در ترکیه شد، دولت ایران و ترکیه نسبت به این اقدام بیمناک شده و سرانجام دولت ایران، امام را در روز ۱۳ مهرماه سال ۱۳۴۴ به کشور عراق تبعید کرد. امام در عراق هم‌دست از مبارزات سیاسی خود علیه طاغوت برنداشتند. نمونه‌هایی از مبارزات سیاسی امام در عراق عبارت‌اند از: الف. رساندن اعلامیه‌ها و رهنمودها به ملت ایران توسط انقلابیون. ب. ایجاد شبکه گسترده برای ارتباط با ملت ایران که تمام طول و عرض کشور را پوشش می‌داد. ج. آگاهی از رویدادهای ایران. د. تجدید ارتباط و تماس با هوادارانش. و. تدریس فقه حکومت اسلامی یا ولایت‌فقیه. ی. فعالیت‌های خصمانه علیه صدام بعد از معاهده الجزایر بین دولت ایران و عراق و...



سید محمد حسینی پور

طلبه پایه ششم

بعد عرفانی و اخلاقی

محمد عرفان دهقان منشادی

آقا همیشه توصیه می‌کردند که مواظب باشیم مرتکب معصیت نشویم. بخصوص در مورد غیبت معتقد بودند خانم‌ها وقتی دورهم جمع می‌شوند از خودشان صحبت کنند نه از دیگران. امام بارها می‌گفتند: حتی به شوخی دروغ نگوئیم.

الف: پرهیز از القاب

امام در تعبیراتش می‌گوید: من یک طلبه‌ام. کسی که تمام عرش‌ها و قدرت‌ها و سلطنت‌ها را می‌لرزاند. می‌گوید: من یک طلبه‌ام. وقتی "تحریر الوسيله" حضرت امام در نجف اشرف چاپ شد، مطابق رسوم نجف پشت جلد لقب‌هایی از قبیل آیت‌الله‌العظمی زعیم الحوزات العلمیه و... نوشته شده بود. این کار تازه‌ای نبود و کسی هم در این کار تقصیری نداشت. متصدیان کار و چاپ خانه همان‌طور که برای دیگر مراجع تقلید عمل می‌کردند، در مورد این کتاب نیز انجام داده بودند. وقتی حضرت امام متوجه شدند که پشت جلد تحریر الوسيله این لقب‌ها ذکر شده است، باکمال قاطعیت از توزیع کتاب جلوگیری کردند و دستور دادند که لقب‌ها برداشته شود. بالاخره دست‌اندرکاران مجبور شدند که چیزی از چاپخانه تهیه کنند و روی این لقب‌ها بزنند به طوری که هیچ‌کدام از آنها قابل خواندن نباشند.

ب: وقت‌شناسی در نماز

دقت امام در رابطه با وقت نماز و حق نماز آن قدر چشم‌گیر بود که پلیس‌های فرانسه از روی رفت‌وآمد امام برای نماز، ساعتشان را میزان می‌کردند؛ شاید این دقت روی وقت نماز اکثر مردم قابل درک نباشد ولی وقتی انسان به این درجه، یعنی به نظاره‌گری در آسمان و زمین می‌رسد، این امر برایش طبیعی است. وقتی می‌ایستادند به نماز، حس می‌کردیم که تمام وجودشان نماز می‌خواند. همیشه وقتی که چند نفر از برادرها برای حفاظت می‌ایستادند امام می‌فرمودند احتیاجی نیست در ساعت نماز باید نماز خواند.

امام حسین (ع): لا یأمن یوم القیامه إلا من خاف الله فی الدنیا.
هیچ کس روز قیامت در امان نیست، مگر آن که در دنیا خدا ترس باشد.

ج: خدامحور

روزی به مناسبتی خواستم که برایم دعا کنند. امام در جواب گفتند که من هر چند ساعت یکبار به شخص شما دعا می‌کنم. با تعجب پرسیدم: شنیدن این مطلب برایم خیلی خوشحال‌کننده است، ولی چرا هر چند ساعت یکبار. خندیدند و گفتند: هر بار که از قفسه داروها دارو برمی‌دارم به یاد شما می‌افتم. در پاسخ گفتم آقا دل ما به دعای شما خوش است؛ ایشان سکوت کردند و اندکی قیافه‌شان در هم رفت و بعد با لحنی پدرانانه و مهربان و درعین حال آمرانه گفتند: سعی کنید فقط دلتان به خدا خوش باشد نه بنده خدا. این نکته خیلی آموزنده است. امام حتی در مقام تعارف هم حاضر نبودند سخنی غیر توحیدی بشنوند و در همه حال به خدا توجه داشتند و به همین دلیل در هیچ‌یک از مصیبت‌ها و مشکل‌ها لحظه‌ای خود را نباخته‌اند و تردید به خود راه نداده‌اند. به‌عنوان مثال وقتی که موضوع محاصره اقتصادی ایران از سوی ابرقدرت‌ها مطرح بود امام فرمودند: گرچه ما را محاصره اقتصادی کرده‌اند اما ما خدا را داریم.

ه: ارادت به ساحت ولایت

در طول پانزده سال اقامت در جوار بارگاه ملکوتی مولی‌الموحدين امیر المومنین (علیه السلام) امام خمینی هر شب بانظم و ترتیب خاصی به حرم مشرف می‌شدند. درست هنگامی که ساعت بزرگ سر در صحن امیر المومنین (علیه السلام) سه ساعت از مغرب گذشته را نشان می‌داد. امام قدم به صحن مطهر می‌گذاشتند. وقتی بعضی از بیوت مراجع به امام پیغام داده بودند که شما مرجع هستید، مدرس حوزه می‌باشید مناسب نیست مانند یک زائر هر شب به حرم مطهر مشرف شوید؛ امام از این پیغام برآشفتند و فریاد زدند چرا من از این خرمن علم و تقوا بهره‌برداری نکنم؟!

د: می‌ترسیدم برای غیر خدا گریه کنم

در شب شهادت مرحوم حاج آقا مصطفی، در مسجد هندی نجف، مجلس فاتحه گذاشته بودند و آقای سید جواد شبر منبر رفتند. ایشان نقل می‌کردند: در این مجلس که امام هم در آن شرکت کرده بودند روضه حضرت علی اکبر علیه السلام را خوانده و هفت بار هم در منبر به این روضه اشاره و گریز‌هایی زده بودند، اما امام با نهایت آرامش در مجلس نشسته بودند.

ایشان با گریزهای متعدد می
خواست از امام گریه‌ای بگیرد که دل ایشان سبک شود
ولی موفق نشد؛ باینکه مصیبت بزرگی بود [یک عده حال امام را که
دیدند گفتند: از بس مصیبت سنگین است امام شوکه شده و گریه‌شان نمی‌آید
. پس از مجلس خدمت امام که به منزل تشریف برده بودند، گفتند: آقا شما امشب
در روضه گریه نکردید؟ ایشان فرمودند. وقتی او روضه می‌خواند به من نگاه می‌کرد و
من ترسیدم اگر گریه کنم برای غیر خدا باشد یعنی گریه‌ام بابت مصیبت فرزندم باشد
نه برای رضایت خدا!!!!

ن: توسل و زیارت روزانه

کمتر کسی را دیده‌ایم که اسلام را با تمام ابعاد آن دریافت و به کار بسته باشد اما حضرت
امام این ویژگی را داشتند که در همان شرایطی که در سیاست در حد اعلای مهارت و
تخصص از مسائل عبادی نیز غافل ایشان در مسائل عبادی به اندازه‌ای دقیق و پرتلاش
که کمتر ریاضت‌کش عرفان مثل کی این‌گونه به یاد دارم که بدون باله کودتایی که در
عراق رخ داده بود مقررات حکومت نظامی در سراسر کشور وضع شده بود روزی برادر
شهید مرحوم حاج آقا مصطفی می‌گفتند دیدیم آقا توی اتاق نیستند گفتیم نکند آقا رفته
باشند حرم یعنی کجا رفتند این طرف را بگرد آن طرف را بگرد بالاخره دیدیم که رفته‌اند
بالای بام و چنان ایستاده‌اند که گنبد حرم معلوم باشد و دارند به طرف حرم زیارت‌نامه
می‌خوانند.

و: روبه‌قبله بودن

امام هر وقت وضو می‌گرفتند، تمام جزئیات وضو را روبه‌قبله انجام می‌دادند
حتی اگر وضوخانه روبه‌قبله نبود در هر مورد پس از اینکه یک کف دست آب برمی‌داشتند
شیر را می‌بستند و روبه‌قبله آن را به صورت یا به دست می‌زدند . امام تکیه زیادی بر
اسرار الصلاة می‌کردند ؛ یاد دارم که بخصوص به کتاب آداب الصلاة مرحوم شهید ثانی
توجه زیادی داشتند و می‌فرمودند بهتر است که بگویم اسرار الصلاة. امام از ابتدای وضو
گرفتن یعنی هنگامی که انسان می‌خواهد برای وضو گرفتن به طرف آب برود، تا پایان
نماز بر معنویات نماز توجه داشتند این حدیث را فکر می‌کنم از مصباح الشریعة باشد
بارها می‌گفتند که یکی از ائمه معصومین می‌فرماید موقعی که برای وضو گرفتن به
سوی آب می‌روی ، در واقع به سوی رحمت خدا می‌روی. امام روی این جمله خیلی
تأکید داشتند.

ل: عبودیت در تمام ابعاد زندگی امام

اگر کسی بخواهد شخصیت امام را بررسی کند، در خواهد یافت که جوهر شخصیت ایشان، «عبودیت» بود. همه چیزهای دیگر در شعاع عبودیت خدا جلوه می‌کرد؛ یعنی جلوه‌هایی از بندگی و شرایطی برای ظهور این نور بود. پس از آن‌که امام این حقایق را به‌طور کامل در حدی که برای یک انسان عادی و غیر معصوم میسر است به دست آورد، به تربیت دیگران پرداخت؛ البته بازهم عبودیت خدا بود که در اینجا جلوه‌گر می‌شد. بیان این معانی را در تفسیر سوره «حمد» و «علق» او ببینید تا دریابید که «اقرأ» او هم، به اسم ربّ بود. شاگردان فراوانی را در طول تدریسش پرورش داد که توانستند پیام او را که همان پیغام پیغمبران و روح اسلام است، در جامعه منتشر کنند.

ی: احترام فوق‌العاده به کودکان

حضرت امام، بچه‌های خردسال را خیلی دوست می‌داشتند. آن پدر به بچه‌های کوچک علاقه‌مند بودند که می‌گفتند در نجف از حرم که برمی‌گشتم بچه‌ها را با وجود اینکه کثیف بودند خیلی دوست بچه‌ها تا جلوی منزل دنبال آقا نوحه‌های آقا همه شلوغ بودن امام به دختر من که از شیطنت بچه خود گله می‌کرد می‌گفتند من حاضرم ثوابی را که تو از تحمل شیطان اند حسین می‌بری با ثواب تمام عبادات خودم عوض کنم عقیده داشتند که بچه باید آزاد باشد تا وقتی که بزرگ می‌شود و آن وقت برای شهادی تعیین کند در مورد تربیت کودکان می‌گفتند با بچه‌ها روراست باشید تا آن‌ها هم روراست باشند. الگوی بچه، پدر و مادر هستند. اگر با بچه درست رفتار کردید، بچه‌ها درست بار می‌آیند. هر حرفی را که به بچه‌ها زدید به آن عمل کنید. تربیت فرزند از مرد بر نمی‌آید. امام نقش مادر را در خانه خیلی تعیین‌کننده می‌دانستند و به تربیت بچه‌ها خیلی اهمیت می‌دادند. گاهی که ما شوخی می‌کردیم و می‌گفتیم پس زن‌ها باید همیشه در خانه بمانند می‌گفتند شما خانه را کم‌نگیرید تربیت بچه کم نیست اگر کسی بتواند یک نفر را تربیت کند، خدمت بزرگی به جامعه کرده است. ایشان معتقد بودند که تربیت فرزند از مرد بر نمی‌آید؛ این کار دقیقاً به زن بستگی دارد چون عاطفه زن بیشتر است و قوام خانواده هم باید بر اساس محبت و عاطفه باشد.



بُعدِ دیریت و رهبری

سیدعلیرضا فاطمی نسب

الف: رهبر ایدئولوژی

به آن معنی که این رهبر است که ایدئولوژی جامعه خود را طرح ریزی می نماید؛ و یا اینکه نوع کاربردی آن را با توجه به اعتقادات خود و پیروانش ارائه می دهد.

ب: رهبر خبره و متخصص

علت پذیرفته شدن یک شخص به عنوان رهبر در مواردی، ناشی از این امر است که افراد گروه به علت نیازی که در خود احساس می کنند حقیقتاً باور دارند که شخص مورد نظرشان برای رهبری، از بالاترین دانش و مهارت لازم در رابطه با اهم زمینه های مورد علاقه و نیاز گروه برخوردار می باشد. بدیهی است در چنین مواردی وظیفه و نقش اصلی چنین رهبری ارائه نظریات تخصصی و کارشناسی با توجه به اعلام نیاز گروه می باشد. البته باید اذعان داشت که چنین برداشتی توسط افراد گروه (رهبر دانشمندترین و متخصص ترین شخص گروه است) بسیار به ندرت ممکن است واقعاً مصداق داشته باشد. سه: رهبر مجری: منظور از یک رهبر مجری، توانایی دخالت مستقیم او در امور اجرایی و یا ابلاغ فرامینش به سطوح رده بالای مدیریت جامعه می باشد. چهار: رهبر سیاست گذار: منظور از سیاست گذاری یک رهبر، اهتمام او در تعیین راهبردهای اجرایی اصلی برای جامعه تحت رهبری خود می باشد. بدیهی است این نوع از سیاست گذاری همواره جنبه کلان.

ج: روح الله و روح اسلام

این مرد، پس از آن که اسلام را آن چنان که باید، شناخت و در این زمینه در حد ممکن کوتاهی و سستی نداشت، از نظر مطالعه و تفکر، کارهای فراتر از امور مادی، مسائلی که مربوط به سیر و سلوک عرفانی و ریاضت های شرعی، خلوت ها، مناجات ها، سحر خیزی ها، ناله های نیمه شب انجام داد. او اسلام را در تمام ابعادش، به صورت یک مکتب جامع و همه سونگر شناخت؛ آنگاه آن را در جامعه به کار بست؛ البته در کنار این امور، از تجارب سیاستمداران بزرگ اسلام و مکتوبات اهل سیاست که تفصیلش گذشت، استفاده کرد و راهروان را راهبری کرد.

د: توکل به خدا در رهبری جامعه

افزون بر این مسائل، بُعد دیگری که امام را از دیگر رهبران اجتماعی ممتاز می‌کرد؛ «اعتقاد» ایشان به حقایق و معارف دینی بود. او اقیانوس آرامی بود؛ وقتی بر ساحلش نشسته بودی، متوجه موج نگاه‌های عمیقش می‌شدی. یک دنیا وقار، سنگینی، اُبَهِت و عظمت همراه با سکوت، سکون و آرامش بود. او، جهانی بود بنشسته در گوشه‌ای. حرکت و سکون، سخن و سکوت و قیام و قعودش، برای رضای خدا و ادای تکلیف بود و بس. یکی از کارهای او، همین حرکت معجزه‌آسایی بود که در ایران به وجود آورد و کشوری را که در دام استعمارگران افتاده بود و در حال سقوط به اعماق جهنم بود با توکل به خدا و از نیروی خدادادی-از منجلا بفساد، بیرون کشید و نجات داد؛ کشوری اسلامی ساخت که با وجود همه کاستی‌هایی که هست نظیر آن را در عالم نمی‌توان یافت؛ زیرا که رهبری چون راهبر این جامعه، کسی در جهان ندارد. آنچه برای ما مهم است که بیشتر درباره آن بیندیشیم این است که امام خمینی ثابت کرد که اگر کسی اسلام را درست درک کند و راست قامت بایستد و کمر همت ببندد، می‌تواند با تمام نیروهای بشری مبارزه کند، پیروز شود و پیروز هم خواهد شد. به عبارت دیگر، به دو شرط می‌توان با تمام نیروهای بشری مبارزه کرد و پیروز شد؛ یکی، شناخت صحیح از اسلام و دیگری، اراده راسخ بر عمل کردن به اسلام.



سیدعلیرضافاطمی نسب
طلبه پایه چهارم

اهداف و آرمان‌ها

امیر محمد عسکری کهدوئی

الف) تشکیل حکومت اسلامی

پس از این‌که ایشان موقعیت کشورهای اسلامی و به‌طورکلی موقعیت اسلام را در جهان بررسی کرد، نخستین هدفی که در نظر گرفت، این بود که یک «حکومت اسلامی» تشکیل دهد؛ چون بدون تشکیل حکومت اسلامی، امیدی برای «اسلامی شدن قوانین» یک کشور وجود نداشت؛ زیرا برای آن‌که کشور، چهره اسلامی پیدا کند و اهداف اسلام در آن عملی شود، نیازمند تشکیل یک نظام اسلامی بود. به این جهت، امام از همان دوران جوانی و میان‌سالی - آن‌گونه که از برخی نوشته‌های ایشان به دست می‌آید - در همین اندیشه بود که «حکومت اسلامی» را در ایران برقرار کند؛ به‌ویژه از حدود شهریور ۱۳۲۰ که ایشان توجه بیشتری به این مسئله پیدا کرد و این آرمان، در ذهن شریف وی به‌صورت جدی‌تری مطرح شد. پس می‌توانیم بگوییم که نخستین و مهم‌ترین هدف امام، «برقراری نظام اسلامی» بود که تقریباً یک «ربع قرن» برای تشکیل این حکومت و تحکیم مواضع آن - قبل و بعد از پیروزی انقلاب - کوشید. او بارها بر این مطلب تأکید کرد که مهم‌ترین واجبات برای هر مسلمانی، حفظ نظام اسلامی است؛ هرچند که ممکن است در این نظام، کمبودها و نارسایی‌هایی [از نظر نظام یا کارگزاران] هم وجود داشته باشد؛ با این وصف نیز حفظ اساس این نظام، واجب‌ترین وظیفه یک مسلمان است که بر عهده او گذاشته شده است. او با عبارتهای مختلف و در مواقع گوناگون، بر این امر تأکید فرمود. به بیان یک نمونه آن سخنان فصل الخطاب اکتفا می‌کنیم. ایشان در این زمینه فرمود: مسئله حفظ نظام جمهوری اسلامی در این عصر و با این وضعی که در دنیا مشاهده می‌شود... از اهم واجبات عقلی و شرعی است که هیچ چیز با آن مزاحمت نمی‌کند. این هدف را از رفتارهای امام، به‌ویژه از رفتارهای اجتماعی و از مبارزات ایشان می‌توان به دست آورد و می‌توان آن را نخستین هدف وی به تلقی کرد.

امام جعفر صادق علیه السلام: جعل الخیر کله فی بیت و جعل مفتاحه الزهد فی الدنیا
همه خیر در خانه ای نهاده شده و کلیدش رازهد و بی رغبتی به دنیا قرار داده اند.

ب) حمایت از محرومان و قشر آسیب‌پذیر

یکی دیگری از اهداف امام، «حمایت از محرومان و مظلومان»؛ و به تعبیر خود امام، حمایت از «پابرهنگان» بود. این معنا و مبنا، چیزی بود که از متن اسلام و از سیره پیشوایان معصوم اسلامی؛ به‌ویژه از رفتار امیر مؤمنان (علیه السلام) در زمان حکومتشان الهام گرفته بود. در هر فرصتی که پیش می‌آمد - در سخنرانی‌ها، پیام‌ها، وصیت‌نامه و... - بر این مسئله تأکید داشت که مادر دوران حاکمیت نظام اسلامی، باید حافظ و حامی منافع محرومان و قشرهای آسیب‌پذیر باشیم.

ج) حفظ وحدت میان اقشار جامعه ایران

یکی دیگر از اهداف امام که همه با آن آشنا هستیم، «حفظ وحدت» بین قشرهای مختلف جامعه بود. شاید کمتر صحبت و پیامی از امام باشد که بر مسئله وحدت و اتحاد مردم تأکید نکرده باشد. امام از یکسو، وحدت مردم را به‌عنوان «رمز پیروزی انقلاب اسلامی» معرفی می‌کرد و از سوی دیگر، حفظ این وحدت را یک وظیفه بزرگ - بعد از پیروزی انقلاب - برای مسلمان‌ها می‌دانست و عقیده داشت که باید در مقابل تلاش‌هایی که سران کفر و استکبار جهانی - برای نابودی اسلام می‌کنند - ایستاد و با آنان مبارزه کرد. دشمنان جمهوری اسلامی ایران، تنها راه برای از بین بردن و محو کردن این نظام را ایجاد اختلاف بین مردم می‌دانند؛ به‌ویژه اختلاف میان مسئولان. امام، این راه را ورود و نفوذ دشمن برای رخنه در ارکان نظام اسلامی ایران می‌دید. این بود که سعی باصفا و کوشش بسیاری می‌کرد، برای این که مردم - باید - وحدتشان را حفظ کنند. خود ایشان در مسیر اتحاد، از هیچ تلاشی مضایقه نمی‌کردند.

د) ایجاد روح همبستگی و اتحاد میان مسلمانان جهان

چهارمین هدف و آرمان امام خمینی (قدس سره)، «ایجاد اتحاد و هماهنگی بین مسلمانان جهان» بود. محور مختص هدف قبلی، وحدت بین قشرهای مختلف بود. این را می‌توان به‌عنوان هدفی دیگر یا متمم همان هدف قبلی ذکر کرد؛ امام افزون بر آن که روی «وحدت قشرهای جامعه ایرانی» تکیه و تأکید داشت؛ برای «اتحاد همه مسلمانان جهان» نیز، تلاش می‌کرد. ایشان آن را یک «آرمان مقدس» برای خود تلقی و به دیگران نیز تفهیم می‌کرد.



ه) تحقیر و تضعیف استعمارگران و جهان خواران

از آرمان دیگر حضرت امام که به‌طور کامل در رفتارها و سخنرانی‌های ایشان مشهود و روشن بود، «تضعیف و تحقیر استعمارگران» و ایجاد اعتماد به‌نفس در بین مسلمانان در برابر آنان بود. همه می‌دانیم و می‌دانند که تمام استعمارگران و مستکبران شرق و غرب اعتراف می‌کردند که حضرت امام خمینی (قدس سره)، بزرگ‌ترین کسی است که در این عصر با آنان به مبارزه برخاسته و در این جهت موفق هم شده است. امام نه‌تنها برای ملت مسلمان ایران این آرزو را داشت، بلکه تلاش او این بود که همه ملت‌های جهان بیدار شوند و مقابل استعمارگران و ستمگران زورگویان کنند و حق خود را از حلقوم آنان بیرون بکشند.

ی) گندن غده سرطانی (اسرائیل) از قلب جهان اسلام

از اهداف مشخص و روشن امام، «مبارزه جدی و بی‌امان با مزدور استعمار»، یعنی اسرائیل غاصب بود. معتقد بود که اسرائیل، یک «غده سرطانی» است که در قلب عالم اسلام، به دست استعمارگران - به‌ویژه امریکا - به وجود آمده است و تا این غده سرطانی ریشه‌کن نشود، کشورهای اسلامی روی صلاح و پیشرفت و تکامل را نخواهند دید. بنابراین، ریشه‌کن کردن این دولت غاصب صهیونیستی، یکی از آرمان‌ها و اهداف مهم امام بود.



امیر محمد عسکری کهدوئی

طلبه پایه ششم